

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طرح عملیات جام جهانی فوتبال

مرکز شمس

مدیریت طرح ریزی عملیات

آبان ۱۴۰۱

(۱) مقدمه

فوتبال پرتماشاگرترین رویداد ورزشی ایران و جهان تاریخ پرفرازونشیبی دارد. فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) در سال ۱۹۰۴ تأسیس شد اما نخستین جام جهانی ۲۶ سال بعد برگزار شد. مسابقات فوتبال پیش از شکل‌گیری رقابت‌های بین‌المللی، فقط به المپیک محدود می‌شد که عموماً زیر سایه ورزش‌های دیگر قرار می‌گرفت. در سال ۱۳۲۵ فدراسیون فوتبال ایران تأسیس شد. سپس برای حضور در المپیک ۱۹۴۸ لندن، ایران به عضویت فیفا درآمد. تیم ملی ایران به غیر از جام جهانی ۲۰۲۲، توانست در ۵ دوره دیگر جام جهانی حضور داشته باشد که عبارت است از: جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین، ۱۹۹۸ فرانسه، ۲۰۰۶ آلمان، ۲۰۱۴ برزیل و ۲۰۱۸ روسیه. یکی از مهم‌ترین و تاریخی‌ترین مسابقات تیم ملی ایران در ادوار مختلف جام جهانی، بازی با ایالات متحده آمریکا بود که تیم ملی ایران توانست در یک رقابت تاریخی این تیم را با نتیجه ۲ بر ۱ شکست دهد. دیگر دوره مهم و تاریخی حضور ایران در جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه بوده است که تیم ملی ایران با گروه مرگ یعنی تیم‌های پرتغال، اسپانیا و مراکش هم‌گروه بود؛ اما برخلاف انتظارات توانست عملکرد مناسبی از خود به نمایش گذاشته و با یک برد در برابر مراکش، یک تساوی در برابر پرتغال و یک باخت در برابر اسپانیا، نتایج قابل قبولی کسب کند.

ورزش می‌تواند در بازی‌ها و رخداد‌های بین‌المللی به‌مثابه زبانی جهان‌شمول و مشترک میان مردمان جهان عمل کند. برای ورزش، مسابقات و رویداد‌های ورزشی به‌طور کلی کارکردها و فرصت‌های مختلفی بیان شده است که می‌توان به مسائل مختلفی همچون گسترش روابط بین‌المللی و ارتباطات فرهنگی، کمک به دیپلماسی عمومی، تقویت تفاهم و توسعه صلح، تقویت همبستگی و مشارکت اجتماعی، تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی، نوعی سرگرمی و تفریح عمومی و رسانه‌ای، ارتقای سلامت روانی و جسمی، افزایش اعتماد، رشد توریسم، تخلیه هیجانات و انفعالات روحی، پرورش اخلاق انسانی و اجتماعی، تقویت و ارتقای سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی، ایجاد بستر برای شکل‌گیری باورها، مهارت‌ها، رفتارها، عادات، نقش‌ها، هویت و... اشاره کرد.

برخلاف تصور رایج، سیاست از فوتبال جدا نیست. سیاست منهای فوتبال از جمله شعارهای توخالی و دروغین غرب همچون حقوق بشر است. هر کجا که منافع استکبار جهانی اقتضا کند، فوتبال اتفاقاً سیاسی می‌شود و به کمک اهداف مستکبران می‌آید. مستکبران در قالب‌های متفاوتی از فوتبال استفاده سیاسی می‌کنند. در بسیاری از موارد، تجاوزهای نظامی مهم توسط مستکبران در حاشیه مسابقات جام جهانی فوتبال انجام شده است. مانند ارتکاب جنایت صبرا و شتیلا توسط رژیم صهیونیستی همزمان با جام جهانی سال ۱۹۸۲، یا تجاوز رژیم صهیونیستی به نوار غزه در هنگامه برگزاری جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل. البته این موارد بسیار متعدد بوده و فهرست بلندبالایی را شامل می‌شود. سوء استفاده دیگر کشورهای سلطه‌گر از فوتبال، که بصورت غیرمستقیم

انجام می‌شود، تحمیل ارزش‌های لیبرال به کشورهای غیرهمسو است. نظیر فشار فیفا بر ایران برای حضور زنان در ورزشگاه یا پذیرش داوری زنان و غیره. اما نمونه آخر سوء استفاده از مقوله ورزش، فشار سیاسی به کشورهای غیرهمسو و مخالف غرب است. مانند حذف روسیه از جام جهانی ۲۰۲۲ به دلیل حمله نظامی به اوکراین و تلاش برای حذف ایران از جام جهانی ۲۰۲۲ با ادعای کمک نظامی ایران به روسیه یا بهانه سرکوب اغتشاشگران. نوع دیگر استفاده سیاسی از فوتبال، شیوه تبلیغاتی و نرم از رقابت‌های جهانی فوتبال و پیروزی و شکست در آن است. درست مانند آنچه ایالات متحده آمریکا در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه در بازی با ایران در سر داشت و برای آن تدارک بسیاری دیده بود که به لطف بازی دیدنی ملی پوشان ایرانی، ورق برگشت و رئیس‌جمهور آمریکا را که آماده قرائت یک بیانیه سیاسی درباره نتیجه مسابقه به نفع کاخ سفید بود، ناکام گذاشت.

سوء استفاده از فوتبال و مقوله ورزش تا حدی دنبال شده که کسینجر، استراتژیست سرشناس آمریکایی، تلاش کرده از این ورزش برای توجیه نظام دو حزبی ایالات متحده آمریکا یا آنچه که دموکراتیزه کردن جهان می‌نامند، بهره ببرد. کسینجر در پروژه‌های موسوم به «دموکراتیزه کردن جهان از طریق فوتبال» تلاش کرد با ایجاد دوقطبی میان تیم‌های فوتبال و حمایت موسمی هواداران از هر یک از تیم‌ها، پذیرش نظام دو حزبی و انتخاب هر یک را به مرور در آمریکا و سایر جوامع دو حزبی ایجاد کند. در جایی که بازیکنان دو تیم در زمین بازی رقابت می‌کنند، تماشاگران نیز به هواداری یکی از دو تیم می‌پردازند و با دو قطبی کردن فضای جامعه، به شیوه القای غیر مستقیم، نظام دو وجهی را به مردم آموزش می‌دهد و مردم تحت تاثیر آن به حمایت و هواداری یکی از دو حزب اصلی جامعه برمی‌خیزند و زمانی که از حزب «الف» خسته شدند، به حمایت از حزب «ب» می‌پردازند. این پروژه که به ترویج و بسط دموکراسی دو وجهی می‌پردازد در بسیاری از کشورها نظیر کره جنوبی، ترکیه، پاکستان و... کلید خورد و همزمان با ورود رسانه به عرصه فوتبال قوت بیشتری پیدا کرد. همین تأثیرگذاری عمیق در سطح جهانی سازی فرهنگ‌ها و ارزش‌های لیبرالی نیز اتفاق می‌افتد.

۲) زاویه نگاه به موضوع

تقابل روزافزون استکبار جهانی با جمهوری اسلامی ایران و انتخاب پارادایم جنگ ترکیبی برای سرنگونی نظام، دشمن را به سمت استفاده حداکثری از همه ابزارهای در دسترس سوق داده است. در سال‌های گذشته و بخصوص پیش از فراگیری استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های برخط، احتمالاً کسی تصور نمی‌کرد که روزی فوتبال می‌تواند به عرصه درگیری یا فشار بر کشور تبدیل شود، اما به دلیل پیچیدگی دائمی فضا و همچنین اغتشاشات اخیر در کشور، دشمن به دنبال سوء استفاده از فوتبال به مثابه ابزاری علیه نظام و حاکمیت است.

تا پیش از وقوع اغتشاشات اخیر، تنها تهدید متصور ناظر به موضوع جام جهانی فوتبال، هجمه دشمن به هویت ملی در پرتو بازی ایران با ایالات متحده آمریکا و انگلیس بود. در فضای مذکور اینگونه تصور می‌شد که باخت تیم ملی ایران در برابر این کشورها، به دستاویزی برای خودتحمیلی و غربگرایی از سوی دشمن بدل خواهد شد. با وقوع اغتشاشات اخیر و تداوم آن، به نظر می‌رسد علاوه بر نگرانی‌های گذشته، تهدیدات جدیدی علیه نظام متصور است. گزیده‌ای از تهدیدات مذکور عبارت است از:

- بی‌تفاوتی جامعه نسبت به بازی‌های جام جهانی و تبدیل فرصت به تهدید در پرتو این رقابت‌ها
- ایجاد دوگانگی میان تیم ملی ایران و تیم ملی جمهوری اسلامی (یا تیم نیروهای مسلح) و در نتیجه ایجاد شکاف و دودستگی در جامعه
- هرگونه تلاش برای نمایش اعتراض بازیکنان تیم ملی و حمایت از اغتشاشات (نظیر عدم جمع‌خوانی سرود ملی، عدم تلاش برای کسب نتایج مطلوب، استفاده از میچ‌بند مشکی توسط بازیکنان، و...)
- عدم تأثیرگذاری بازی‌های جام جهانی در افزایش امید و نشاط اجتماعی به علت حواشی آن
- حضور عناصر ضدانقلاب در کشور قطر و تلاش برای تجمع، اعتراض و آشوب در برابر رسانه‌های جهان به شیوه‌های مختلف (نظیر نمایش عکس مهسا امینی در ورزشگاه، سردادن شعارهای ساختارشکنانه در بازی‌های ایران، تجمع در هتل محل استقرار تیم ملی جهت فشار به بازیکنان، و...)
- حضور افرادی همچون علی کریمی و علی دایی در برنامه‌های ورزشی شبکه‌های ماهواره‌ای معاند و افزایش گرایش مخاطبان به این شبکه‌ها به بهانه جام جهانی و در نتیجه القای خطوط محتوایی بیگانه

اگرچه که در شرایط فعلی نمی‌توان وقوع تهدیدات مذکور را قطعی دانست، اما پیچیدگی فتنه اخیر نشان از آن دارد که اتاق فکر پشت این وقایع، قطعاً به جام جهانی به مثابه فرصتی برای تعمیق نارضایتی‌ها و ضریب‌دهی جهانی به اغتشاشات اخیر نگاه می‌کند. لذا علاوه بر اقدامات شناختی جهت استفاده مطلوب از این فرصت و تقلیل اثر اقدامات دشمن، در عرصه میدان نیز لازم است اقداماتی انجام شود. به عنوان مثال:

۱) وزارت امور خارجه باید از طُرُق دیپلماتیک و در ارتباط تنگاتنگ با وزارت خارجه قطر، تمهیدات لازم را برای تقلیل حداکثری تهدیدات محیطی بازی‌های جام جهانی را بعمل آورد. در این زمینه، لازم است با تفهیم شرایط کشور به طرف مقابل، از حاکمان کشور قطر خواست که زمینه هرگونه اقدام علیه حاکمیت ملی ایران در خاک خود را برطرف کنند.

۲) لازم است تبلیغات محیطی در شهرهای ایران کم‌کم حال‌وهوای جام جهانی را منعکس سازد. در این تبلیغات، باید تیم ملی به مثابه نماینده مردم و کشور بازنمایی شوند. همچنین باید تاریخ بازی‌های ایران را برجسته کرد تا جامعه آمادگی ذهنی برای تماشا و پیگیری بازی‌ها را پیدا کند. از سوی دیگر باید نشان

داد که آن اکثریتی از مردم، که در یوم الله ۱۳ آبان ۱۴۰۱ در عرصه حضور پیدا کردند، پشتیبان و حامی تیم ملی هستند، نه اغتشاشگران و دشمنان ملت.

۳) شهرداری‌ها با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید محیط‌هایی در سطح شهر برای تماشای دسته جمعی بازی‌های ایران فراهم کنند. این محیط‌ها می‌تواند شامل پارک‌ها، آمفی تئاترها، سالن‌های کنفرانس مشهور (مانند تالار وحدت)، سینماها، فرهنگ‌سراها و... باشد. بدین صورت می‌توان در رسانه‌ها وحدت کلمه مردم را به تصویر کشید.

۴) برای بدرقه و نیز استقبال از بازیکنان تیم ملی، باید جشن‌ها و کارناوال‌هایی راه‌اندازی شود. در این جشن‌ها و گردهمایی‌ها باید از بازیکنان تیم ملی و چهره‌های شاخص دعوت کرد تا حضور حداکثری مردم در این مراسم‌ها تضمین شود.

۵) با توجه به احتمال صعود تیم ملی ایران به مرحله بعد، بایستی آمادگی برگزاری جشن پیروزی سراسری در کشور فراهم شود. این جشن باید همچون جشن عید غدیر ۱۴۰۱ از قبل تبلیغ شده و آمادگی استقبال از جمعیت میلیونی در سراسر کشور ایجاد شود.

۶) باید از ظرفیت صداوسیما (بخصوص شبکه‌های ورزش و سوم سیما) برای تولید و پخش برنامه‌های پیش از جام جهانی (با عناوینی همچون «تاج جهانی») حداکثر استفاده را بُرد.

۷) باید با اقدامات کامنتینگ در حجم انبوه در صفحات شخصی بازیکنان تیم ملی و افراد مؤثر در امر فوتبال (پیشکوسانی همچون علی دایی، سرمربی‌های مختلف، داوران، تحلیلگران و...) آنان را با جریان اکثریت مردم همراه کرد. در این راستا، باید مواضع همسوی این افراد با نظام تقویت شده و مواضع مخالف با نظام بشدت نقد شود.

۸) برای همراه‌سازی حداکثری اعضای تیم ملی فوتبال، باید به بهانه احتمال بُرد، وعده جوایز و پاداش‌های خوبی به بازیکنان داده شود که این جوایز می‌تواند مادی و معنوی باشد. باید توجه کرد که این جوایز نباید به مثابه رشوه برای همراهی با نظام تلقی شود.

۹) لازم است در زمینه هویت بخشی به بازیکنان، هواداران و مردم ایران تلاش‌های گسترده و حساب‌شده‌ای صورت گیرد که تولید اقلام تبلیغاتی، سرود حمایتی جدید و شورانگیز، شعار واحد، مفهوم پردازی جدید در خصوص تیم ملی و... از جمله اقدامات سازنده در این زمینه می‌تواند باشد.

۱۰) نهادهای امنیتی و دستگاه‌های مسئول باید در فضایی دوستانه و سازنده، بازیکنان و کادر فنی تیم ملی را نسبت به وقایع اخیر توجیه کنند. حضور بازیکنان در صحنه اغتشاشات و دیدن واقعیات از نزدیک، کمک شایانی به همراهی حداکثری بازیکنان با سیاست‌های حاکمیت خواهد کرد.

فهرست این دست اقدامات میدانی می‌تواند بسیار طولانی‌تر باشد. مهم این است که بتواند منافع ملی را در حداکثری‌ترین حالت ممکن تأمین کند. محوریت این اقدامات نیز باید افزایش نشاط و شادی جامعه در پرتو رقابت‌های جام جهانی باشد.

فارغ از فضای میدانی ترسیم‌شده، وجه مهم‌تر و عمیق‌تر رقابت‌های جام جهانی فوتبال، سطح شناختی و ذهنی آن است که البته در ارتباط تنگاتنگ با فضای میدانی قرار دارد. بعبارت دیگر در رقابت‌های جام جهانی فوتبال رخدادهای محیط واقعی بیشترین تأثیر را بر فضای شناختی و ذهنی خواهد داشت. براین اساس، تهدیداتی که پیرامون مسئله استکبارستیزی و هویت ملی شکل می‌گرفت، در درجه دوم اهمیت قرار گرفته و حواشی رقابت‌های جام جهانی می‌تواند منجر به افزایش شکاف‌های اجتماعی شود. لذا شرایط حساس‌تر از سابق است و باید دقت بیشتری در عملیات‌های شناختی و رسانه‌ای بخرج داد. در عین حال که شرایط بغرنج‌تر شده است، عملکرد مناسب و حساب‌شده دستاوردها و فرصت‌های تکرارنشده در اختیار حاکمیت قرار خواهد داد.

بر این مبنا در طرح حاضر موضوع جام جهانی از منظر تأثیرات آن بر هویت ملی، همبستگی اجتماعی و تا حدودی موضوع اغتشاشات مورد تحلیل قرار گرفته است. در این تحلیل علاوه بر نگاه به واقعیات، تلاش شده که موضع ایجابی و فعال اتخاذ گردد.

(۳) جایگاه موضوع در صحنه کلان نبرد شناختی

برای طراحی عملیات حاضر ابتدا در پنج دوره زمانی داده‌های مرتبط با جام جهانی در شبکه اجتماعی تویتر و از طریق سامانه‌های تحلیل کلان‌داده استخراج شد. این پنج دوره عبارتند از:

۱) صعود ایران به جام جهانی

۲) انتخاب گروه و تعیین رقبای ایران

۳) انتخاب کارلوس کی‌روش به‌عنوان مربی تیم ملی

۴) پیروزی تیم ملی ایران برابر اروگوئه

۵) کسب نتیجه مساوی برابر سنگال

نحوه آغاز و تغییر جریان رسانه‌ای و دیدگاه عموم جامعه در این روند نگاری این‌گونه بدست آمده است: گفتگو پیرامون جام جهانی با احساس بی‌تفاوتی نسبت به صعود در بازه زمانی اول که احساس غالب بود، شروع شد. در بازه زمانی دوم جهت‌گیری کلی کاربران تغییر مثبت داشته و افتخار، غرور ملی و استکبارستیزی تبدیل به موضوعات اصلی گفتگو پیرامون جام جهانی شدند. در سومین بازه زمانی انتخاب‌شده، چالش بین لیاقت اسکوچیچ و کی‌روش مطرح شد. نکته حائز توجه در دو دوره‌ی آخر این است که این دو دوره هم‌زمان با

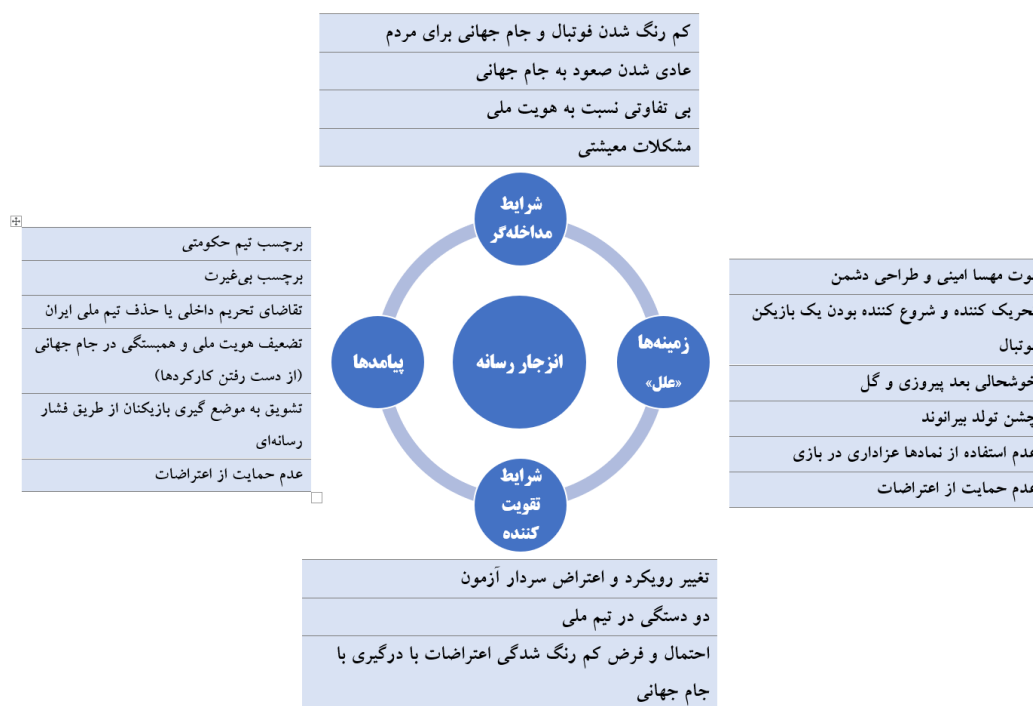
اغتشاشات بوده و به وضوح تأثیرات اغتشاشات بر موضع‌گیری کلی کاربران قابل مشاهده است و اقدامات رباتیک در کنار موضع‌گیری کاربران توییتری، در مجموع نشان از فضایی منفی و غیرهمسو را نشان می‌دهد.

در جدول شماره ۱، اصلی‌ترین انگاره‌های بدست آمده از تحلیل کاربران به تفکیک طیف مخاطب ذکر شده است. در این جدول، تلاش شده با تلفیق و ترکیب گویه‌های جزئی به دست آمده از شبکه اجتماعی توییتر، انگاره‌های اصلی فهرست شود و از ذکر انگاره‌های کم‌بسامد تا حد امکان خودداری شده است.

دسته‌بندی مخاطبین	انگاره‌ها
سفید	انگلیس و آمریکا که هم‌گروه ایران در جام جهانی هستند، از جمله مهم‌ترین کشورهای استکباری به شمار می‌روند.
	ورزش قهرمانی با هویت ملی در ارتباط است، ولی نباید آن را سیاسی کرد.
خاکستری	صعود تیم ملی فوتبال ایران به رقابت‌های جام جهانی از اهمیت چندانی برخوردار نیست.
	بازیکنان تیم ملی فوتبال باغیرت بازی کردند و به جام جهانی صعود نمودند.
	صعود آسان و سریع تیم ملی به رقابت‌های جام جهانی و نیز حضور علی دایی در مراسم قرعه‌کشی مرحله گروهی، باعث افتخار، عزت و غرور ملی است.
	همان‌طور که بازیکنان تیم ملی در عرصه ورزشی از مردم ایران نمایندگی می‌کنند، لازم است در عرصه سیاسی-اجتماعی نیز نماینده افکار عمومی باشند.
	فشار حکومت مانع از حمایت بازیکنان تیم ملی از اعتراضات مردمی گردید.
سیاه	تعلیق فدراسیون فوتبال و عدم حضور تیم ملی در رقابت‌های جام جهانی برای ما اهمیتی ندارد.
	بازیکنان تیم ملی به دلیل شخصی و عدم غیرتمندی نسبت به مسائل مردم خود، حاضر به حمایت از اعتراضات مردمی نشدند. (جام جهانی عرصه نمایش توانمندی‌های بازیکنان برای جذب در تیم‌های باشگاهی است. به همین دلیل بازیکنان فوتبال حاضر به تحریم تیم ملی نشدند)
	تعلیق فدراسیون فوتبال ایران و عدم اعطای مجوز برای حضور در رقابت‌های جام جهانی به معنای شنیده شدن صدای معترضان و در نتیجه پیروزی ملت ایران است.
	اعتراض مردم ایران می‌تواند به همراهی بازیکنان تیم ملی با انقلاب مردمی بینجامد و از این طریق مانع از صعود تیم ملی به جام جهانی گردد.
	هر نمادی از حکومت مایه انزجار و ناراحتی است. از آنجایی که تیم ملی فوتبال و بازیکنان آن میان حکومت و مردم، حکومت را انتخاب کردند، مورد نفرت و انزجار مردم قرار خواهند گرفت.

جدول ۱: انگاره‌های اصلی فضای رسانه در جام جهانی ۲۰۲۲

در یک تحلیل عمیق‌تر، می‌توان شرایط مداخله‌گر، زمینه‌ها یا علل، شرایط تقویت‌کننده و پیامدهای ایجاد و ترویج انزجار رسانه‌ای تولیدشده نسبت به مسئله جام جهانی را در قالب نمودار شماره ۱ فهرست کرد.



نمودار ۱: مدل پارادایمی انزجار رسانه‌ای پیرامون جام جهانی ۲۰۲۲

تقویت عرق ملی، همبستگی اجتماعی و شادابی جامعه به‌عنوان یکی از بهترین سرمایه‌های شناختی در صحنه کلان‌نبرد شناختی است که از قبل حضور تیم ملی در عرصه‌ی جام جهانی می‌توان آن را تقویت کرد. در عین حال متأسفانه وضعیت مطلوبی به لحاظ شناختی در نسبت با جام جهانی مشاهده نمی‌شود که از جمله دلایل آن می‌توان به (۱) عدم حساسیت جامعه (بی‌تفاوتی)؛ (۲) عادی شدن صعود به جام جهانی؛ (۳) باخت در مرحله‌ی گروهی به‌عنوان دلایل واقعی اشاره کرد. همچنین می‌توان از دلایلی همچون (۱) بازنمایی تیم ملی به مثابه تیم حکومتی؛ (۲) زدن برچسب بی‌غیرتی و بنده پول بودن بازیکنان تیم ملی؛ (۳) آرزوی شکست و تقاضای حذف تیم ایران از طرف فیفا به‌عنوان دلایل برساختی ایجادشده از سوی دشمن در فضای شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد.

فرصت‌ها و کارکردهای روانی و شناختی که خاصاً پیرامون جام جهانی فوتبال برای ایرانیان مطرح است و می‌بایست به دنبال تولید آن در این طرح بود عبارت‌اند از: نمایش قدرت و اقتدار، غرور و افتخار ملی، حس تعلق ملی، همبستگی اجتماعی، تخلیه هیجان و بسترسازی برای تقویت شادی و نشاط اجتماعی. دشمن تلاش دارد با تخریب تیم ملی و حضور آن در جام جهانی، کارکردهای مثبت متصور از آن را برای ایران و ایرانیان

تخریب کرده یا به حداقل ممکن برساند. در این راستا مهم‌ترین کارکردهایی که دشمن آن‌ها را هدف قرار داده، عبارت‌اند از تضعیف همبستگی اجتماعی، هویت ملی، امید و نشاط اجتماعی.

۴) جمع‌بندی و هدف‌گذاری

بی‌تفاوتی اجتماعی و تولید برچسب‌هایی نظیر تیم حکومتی و بازیکنان بی‌غیرت و درنهایت تلاش برای حذف تیم ملی ایران از عرصه‌ی رقابت‌ها و یا آرزوی شکست برای تیم ملی، نشان از تغییر وضعیت و غلبه نگاه دشمن در فضای رسانه در نسبت با موضوع جام جهانی دارد. البته باید توجه داشت که فضای رسانه با واقعیت‌های شناختی جامعه همواره منطبق نیست، اما بلاشک تأثیر مهمی دارد. تداوم وضعیت فعلی و عدم تحریک جامعه برای درگیری با مسئله جام جهانی، می‌تواند فضا را به سمت تحقق اهداف دشمن سوق دهد.

با توجه به مجموع مطالب گفته‌شده، سمت‌وسوی عملیات‌های رسانه‌ای و بخصوص عملیات‌های شناختی در فضای مجازی باید در جهت ایجاد حساسیت و همبستگی اجتماعی باشد. در فضای فعلی و با توجه به تحرکات اغتشاشگران در سطح شهرهای کشور، در یک اقدام ایجابی و فعالانه، می‌توان با ایجاد فضای وحدت و همبستگی اجتماعی و تزریق شادی و پمپاژ خبری و شناختی پیرامون موضوع جام جهانی، علاوه بر حذف تهدیدات یادشده در قسمت‌های قبل، جامعه را به سمت یکپارچگی مضاعف سوق داد.

با توجه به این موارد هدف «ایجاد و تقویت حس تعلق ملی در میدان رقابت‌های جام جهانی» در جهت گسترش حس قدرت و افتخار از صعود به جام جهانی، برای این عملیات رسانه‌ای که از دو هفته تا یک ماه ممکن است به طول بیانجامد، در نظر گرفته شده است. متناسب باهدف مذکور دو راهبرد «تصویرسازی از تیم ملی به‌عنوان نماد ایران یکپارچه» و «برجسته‌سازی عناصر شادی‌بخش و غرورآفرین رقابت‌های جام جهانی» در نظر گرفته شده است و متناسب با آن‌ها راهکارهایی تنظیم و شرح داده شده است. به‌طورکلی با توجه به ناآرامی‌های اخیر فضای عمومی کشور نیازمند شور و هیجان برای بازگشت وضعیت عادی به جامعه و خروج از وضعیت اعتراض و اغتشاش است؛ لذا در این طرح دو جنبه «تعلق ملی» و «عنصر شادی» به‌عنوان محورهای اصلی تولید همواره باید مورد توجه باشد.

باید توجه داشت که با تبیین درست و نمایش درست راهکارهای ارائه‌شده، می‌توان وضعیت موجود را در رسانه تغییر داده و بهره‌برداری شناختی لازم را کسب کرد؛ همچون جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه که برغم شکست تیم ملی ایران، احساس افتخار و غرور ملی و شادابی، امید و نشاط اجتماعی به‌صورت فراگیر در جامعه جاری شد.

(۵) بازاریابی استراتژیک

هدف	شیوه مواجهه	انگاره‌ها	نوع انگاره	مخاطب	رتبه
ایجاد و تقویت حس تعلق ملی در میدان رقابت‌های جام جهانی	تضعیف	صعود تیم ملی فوتبال ایران به رقابت‌های جام جهانی از اهمیت چندانی برخوردار نیست.	موجود	خاکستری	۱
	تقویت	صعود آسان و سریع تیم ملی به رقابت‌های جام جهانی و نیز حضور علی دایی در مراسم قرعه‌کشی مرحله گروهی، باعث افتخار، عزت و غرور ملی است.			
	تضعیف	تیم ملی ایران همواره در رقابت‌های جام جهانی شکست خورده و از صعود به مرحله حذفی بازمانده است.			
	گسترش	حضور تیم ملی در رقابت‌های جام جهانی و موفقیت آن، یک دستاورد ملی و مردمی است.	مطلوب		

(۶) اهداف و راهبردها

راهبرد	هدف	رتبه
تعیین ضرورت وحدت و تعیین ایران قوی و یکپارچه در میدان رقابت‌های جام جهانی و تیم ملی فوتبال ^۱	ایجاد و تقویت حس تعلق ملی در میدان رقابت‌های جام جهانی	۱
تقویت و برجسته‌سازی عناصر شادی‌بخش و غرورآفرین رقابت‌های جام جهانی		

^۱ در راستای تحقق حداکثری این راهبرد، بایستی برخی اقدامات میدانی و زمینه‌ساز انجام پذیرد که تفصیل آن در مقدمه گذشت.

۷) راهکارهای تجویزی مبتنی بر هر راهبرد

راهکارهای راهبرد ۱:

تبیین ضرورت وحدت و تعیین ایران قوی و یکپارچه در میدان رقابت‌های جام جهانی و تیم ملی فوتبال

نمایش و نمادسازی از عرصه‌های مختلف تجلی وحدت و یکپارچگی در تیم ملی و بازی‌های جام جهانی تیم ملی، نمادی از تمام ایران است. یکپارچگی و همبستگی و کار تیمی در میان بازیکنان از اقوام و افکار مختلف در کنار هم برای پیروزی و سربلندی ایران باید به‌مثابه یکپارچگی و همبستگی میان اقوام و افکار مختلف در ایران به نمایش گذاشته شود که همگی تلاش دارند در کنار هم ایرانی سربلند بسازند. استفاده از حضور و مشارکت بازیکنان با هویت قومی متفاوت در کنار یکدیگر در این محور برای نمایش اتحاد قومیت‌ها در تشکیل ایرانی یکپارچه توصیه می‌شود. در این جهت می‌بایست فعالیت رسانه‌ای را در چند محور زیر انجام داد:

- ۱) انجام عملیات کامپینینگ باهدف توجیه بازیکنان تیم ملی و القای انتظارات مخاطبین نسبت به اهمیت وحدت و اهداف ملی
- ۲) تقویت عرق ملی بازیکنان از طریق نمایش اهمیت نمادهای ملی چون پرچم ایران، سرود ملی، یوز ایرانی و... برای بازیکنان تیم ملی
- ۳) نمایش حضور بازیکنان تیم ملی از اقوام مختلف در کنار یکدیگر (بازی هماهنگ تیمی به‌مثابه اتحاد و یکپارچگی مردم ایران)
- ۴) حضور و مشارکت اقوام مختلف ایرانی در حمایت از تیم ملی فوتبال ایران
- ۵) صیانت از بازیکنان با دو قطبی‌سازی مخاطبین نسبت به افرادی که بر بازیکنان فشار رسانه‌ای ایجاد می‌کنند به‌عنوان اخلاص‌گران در آرامش و امنیت روانی بازیکنان و به‌مثابه نیروهای دشمن
- ۶) نمادسازی از پرچم و نماد تیم ملی در قالب پوستر، استیکر، عکس پروفایل و...

(لینک ۲)

هراس افکنی نسبت به پیامدهای ناگوار اغتشاشات در تخریب وحدت ملی

امروز جامعه جهانی متوجه شده است که ایران یکی از کشورهای تعیین‌کننده در منطقه است. ترویج فکر تجزیه ایران یکی از اقداماتی است که همواره توسط بیگانگان به‌کار گرفته شده و در وقایع اخیر نیز دشمنان تلاش کردند با تعمیق شکاف‌های اجتماعی، تجزیه‌طلبی را در عمل انجام دهند. این راهکار به‌صورت ویژه به پیامدهای تخریب وحدت ملی توجه دارد. هراس از پیامدهای تجزیه ایران، در قشر خاکستری و عموم جامعه ایجاد حساسیت می‌کند و مخاطب را از فضای اطلاعاتی دشمن خارج می‌سازد. برخی از مواردی که نسبت به آن می‌توان هراس افکنی کرد، عبارت است از:

- ۱) توطئه و دسیسه‌گری عربستان
- ۲) تجزیه ایران (از دست رفتن ایران یکپارچه به‌عنوان مجموعه‌ای از اقوام و ملت‌ها)
- ۳) آوارگی مردم ایران در صورت تجزیه و بروز جنگ داخلی همچون آوارگان و مهاجران اوکراین، سوریه، افغانستان و...
- ۴) جنگ داخلی (عدم امنیت، تضعیف اقتصاد و انهدام زیرساخت‌های کشور)

نمایش و مقایسه عرق ملی و وطن‌پرستی بازیکنان و حامیان تیم ملی کشورهای خارجی با تیم ملی ایران

بازی فوتبال برای بسیاری از کشورها، به عنصری هویت‌ساز و نماد ملی آن‌ها تبدیل شده است. بازیکنان و هواداران تیم ملی برخی کشورها همچون برزیل، آرژانتین، مراکش و... بصورت ویژه‌ای از تیم ملی خود حمایت می‌کنند. برای مردم این کشورها، تیم ملی به مثابه نماد و هویت آن کشور تلقی می‌شود. در این راهکار با برجسته‌سازی این موارد، باید نوعی حرکت و جریان‌سازی در بازیکنان و هواداران تیم ملی ایران و نیز عموم ایرانیان برای حمایت از تیم ملی ایجاد شود. باید توجه داشت که تولیدات رسانه‌ای، نباید حس

سرخوردگی و حسرت ایجاد کند؛ بلکه باید «صرفاً در مقوله حمایت از تیم ملی» از کشورهای مذکور و مشابه آنان، الگوسازی صورت گیرد و مخاطب را به حمایت بیشتر دعوت کند. این حمایت می‌تواند در قالب خرید محصولات تبلیغاتی، حمایت از تیم ملی در شبکه‌های اجتماعی، تولید محتوای حمایتی از تیم ملی در شبکه‌های اجتماعی، و... صورت گیرد. مخاطب ایرانی باید احساس کند که در این رقابت‌ها، باید همچون کشورهای فعال در زمینه فوتبال از تیم ملی ایران حمایت کند. در این مسیر، می‌توان موارد برجسته حمایت مردم ایران از تیم ملی فوتبال در گذشته را نمایش داد. مصادیقی از این حمایت‌ها عبارت است از:

- بوسیدن پرچم ملی کشورها پس از به ثمر رسیدن گل
- حمایت دسته‌جمعی و گروهی مردم یک کشور از تیم ملی خود
- اقدامات خاص بازیکنان حرفه‌ای و ملی‌گرای کشورهای مختلف (همچون فریاد زدن نام کشور خود توسط بازیکنان)
- هزینه‌کردهای شخصی مردم کشورهای مختلف برای حمایت از تیم ملی

([لینک ۱](#)) ([لینک ۲](#)) ([لینک ۳](#)) ([لینک ۴](#))

راهکارهای راهبرد ۲:

تقویت و برجسته‌سازی عناصر شادی‌بخش و غرورآفرین رقابت‌های جام جهانی

۱	<p>بازخوانی و بازنمایی خاطرات غرورآفرین فوتبال ایران در سال‌های گذشته مسابقات جام جهانی فرصتی برای ارزیابی مؤلفه‌های هویتی ملی ایرانیان است. اولین مؤلفه موضوع عرق ملی است. نتیجه عرق و حمایت ملی، سربلندی و غرور ملی است که باید با نمایش و بازنمایی لحظه‌هایی از غلیان عرق ملی بازیکنان جامعه را به سمت حمایت از تیم ملی و افتخار به تیم و بازیکنان سوق داد. از جمله لحظات ماندگار فوتبال می‌توان به لحظه دویدن میلاد محمدی، دریافت توپ بیرانوند از رونالدو، گل به پرتغال، آقای گل جهان بودن علی دایی تا همین اواخر و تحویل به بازیکن شماره ۱ جهان و... اشاره کرد. (لینک ۱) و (لینک ۲) و (لینک ۳) و (لینک ۴) و (لینک ۵) و (لینک ۶) و (لینک ۷) و (لینک ۸) و (لینک ۹)</p>
۲	<p>بازنمایی خیانت‌های دشمنان علیه ورزش ایران به مثابه مخالفت با شادی مردم به‌طور کلی مؤلفه‌ی ورزش در جامعه مستقیماً شادابی و شادی افراد و اجتماع را در پی خواهد داشت و مخالف و سنگ‌اندازی در مسیر ورزش قهرمانی به معنای مخالفت با شادابی و شادی جامعه تلقی خواهد شد. در داخل و عرصه‌ی جهانی موارد بسیاری از سنگ‌اندازی و خیانت علیه ورزش را داریم که در این محور می‌بایست با بازنمایی و افشاگری از افراد معاند و سازمان‌های جهانی از آن‌ها اعتبارزدایی کرده و از این طریق با جریان به وجود آمده در داخل کشور مقابله کرد. در پی اغتشاشاتی که در پی مرگ مهسا امینی به وجود آمد و نیز به بهانه ارسال تجهیزات نظامی از سوی ایران به روسیه و استفاده از آن در جنگ علیه اوکراین، جریان غالب رسانه‌ای مخالف حضور تیم ملی در عرصه‌ی جهانی ترسیم شده است. در این راستا با در کنار هم قراردادن خیانت‌های دشمن و مخالفین حضور تیم ملی در جام جهانی، می‌توان از آن افراد و جریان آن‌ها اعتبارزدایی کرده و آن‌ها را به‌عنوان مخالفین با هویت و شادی مردم معرفی کرد. (لینک ۲) و (لینک ۳)</p>
۳	<p>ضریب‌دهی به رخدادها، اتفاقات و مؤلفه‌های شادی‌بخش جام جهانی برای مردم ایران حوادث و رخداد‌های مختلف جام جهانی، عرصه بروز شادی‌ها و غصه‌های متعددی است. گاهی یک حرکت مانند مهار پنالتی رونالدو، می‌تواند موجی از شادی و افتخار بیافریند و گاهی حتی حذف شدن از رقابت‌های جام جهانی نیز باعث ناراحتی نیست. در شرایط فعلی، باید به همه این موارد شادی‌بخش و امیدآفرین ضریب‌دهی کرد. این موارد باید شناسایی شده و از پیش برای بهره‌برداری از آن برنامه‌ریزی صورت گیرد. برخی از این موارد عبارتند از:</p> <ul style="list-style-type: none">- لذت تماشای دسته جمعی (خانوادگی یا دوستانه) مسابقات فوتبال- شادی‌ها و جشن‌های پس از بازی‌های تیم ملی در خیابان‌ها و پارک‌ها- سوژه‌های جذاب و منحصر بفرد جام جهانی، مانند حرکت‌های خاص بازیکنان و ستاره‌های فوتبال جهان- صحنه‌آفرینی بازیکنان تیم ملی و گل زنی بخصوص در بازی با تیم ایالات متحده آمریکا- بازی در برابر تیم‌های قدرتمندی همچون انگلیس و محک توانمندی‌های تیم فوتبال ایران- صعود احتمالی تیم ملی به مرحله بعد برای اولین بار در تاریخ ایران- چالش‌ها، مسابقات متعدد و رویدادهای جمعی در حاشیه رقابت‌های جام جهانی <p>بطور کلی باید هر آنچه که می‌تواند به افزایش نشاط و شادی جامعه بیانجامد، ضریب‌دهی شود. این موج شادی می‌تواند بسیاری از خاطرات تلخ این روزها و عصیبت‌های شکل گرفته ناشی از آن را از بین ببرد. در فضای شادی و سرخوشی حداکثری، حتی اگر تیم ملی نتواند نتایج دلخواه را کسب کند، جامعه آن را به مثابه یک رویداد منفی تلقی نخواهد کرد و ضربه‌ای به هویت و غرور ملی وارد نخواهد شد.</p> <p>(لینک ۱) و (لینک ۲)</p>

اعتبارزدایی از رسانه‌ها و کارشناسان ورزشی ضدانقلاب به‌عنوان مخالفان شادی، امید و آرامش مردم ایران (به دلیل پمپاژ فضای منفی و یأس‌آفرینی در سطح جامعه)

دشمنان که همواره تلاش می‌کنند مردم را از زندگی در ایران و جمهوری اسلامی ایران ناامید سازند، مدت‌هاست که تلاش می‌کنند تأثیرات مثبت جام جهانی بر شادی و امید مردم را تقلیل دهند. این راهبرد در بُعد رسانه‌ای به شکلی نرم و در پوشش کارشناسی و خبری رخ می‌دهد و حساسیت زیادی ایجاد نمی‌کند. رسانه‌های ضدانقلاب با برجسته‌سازی نقاط ضعف، پرداختن به حواشی و عدم پوشش دستاوردها و نقاط مثبت در قالب برنامه‌های کارشناسی، اظهارنظر افراد یا جمله‌های فضای مجازی، در نهایت تلاش دارند شادی و امید مردم ایران را تخریب کنند یا آرامش مردم را برهم بزنند. بایستی از این رسانه‌ها و کارشناسان اعتبارزدایی حداکثری صورت گیرد. اهمیت این راهکار از آنجاست که در سال جاری و با توجه به وقایع اخیر، احتمال حضور افرادی همچون علی کریمی در برنامه‌های کارشناسی شبکه‌های ضدانقلاب وجود دارد. در این راستا می‌توان انتساب شبکه‌های معاند به عربستان سعودی یا تولید برنامه رایگان دشمنان برای مخاطب ایرانی را برجسته کرد و این شبکه‌ها را زیر سوال برد. پ.ن: یکی از راهبردهای اساسی شبکه‌های ماهواره‌ای معاند همچون سعودی اینترنشنال برای جذب مخاطب، پوشش اخبار ورزشی داخلی و بین‌المللی، و بخصوص آن مواردی است که در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران پوشش داده نمی‌شود (مانند مسابقات ورزشی بانوان). این اقدام علاوه بر جذب مخاطب، باعث می‌شود چهره رسانه‌های ضدانقلاب تطهیر شده و مردمی قلمداد شود.

([لینک ۱](#)) و ([لینک ۲](#))

۴